



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تربیت اخلاقی در قرآن: موانع در بعد شناخت از نگاه المیزان

فاطمه سادات عبدالله زاده^۱

۱- سطح سه جامعه الزهرا، قم

F.abdolahzadeh@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر به بررسی موانع شناخت از نگاه المیزان می‌پردازد. شناخت از خداوند و معرفت انسان از مفاهیم دینی و معنوی، اساسی‌ترین عناصر تربیت اخلاقی و روحی محسوب می‌شود. در این مقاله، ما به بررسی موانعی که ممکن است در مسیر شناخت و معرفت انسان از خداوند پدید آید، می‌پردازیم. این موانع شامل عواملی چون غلبه هواهای نفسانی، بی‌تقوایی، خودبینی و خودپرستی، حق ستیزی، بینش مادی، تقلید نابجا و معاشرت باناهلان هستند. در ادامه مقاله، موانع مذکور به تفصیل بررسی می‌شوند و راهکارها برای کمک به شناخت دینی و معنوی از خداوند مورد بحث قرار می‌گیرد. این مقاله تأکید دارد که شناخت از دیدگاه دینی و فلسفی نه تنها نیاز به عقل و تفکر دارد بلکه نیاز به تربیت اخلاقی و معنوی نیز دارد و به اهمیت آموزه‌های علامه اصفهانی در تحقق این هدف تأکید می‌کند.

کلمات کلیدی: تربیت اخلاقی - موانع - المیزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

معرفت و شناخت انسان از معانی دینی و معنوی، یکی از جوانب اساسی و حیاتی تربیت اخلاقی و روحی محسوب می‌شود. این شناخت از خداوند و مفاهیم دینی، نقطه انطلاق برای رشد و تکامل انسان به سوی کمال و کمال‌جویی به حساب می‌آید. در این مسیر، عقل و تفکر انسان نقش مهمی ایفا می‌کند و باید موانعی که ممکن است در راه شناخت و معرفت از خداوند پدید آید، شناسایی و مورد بررسی قرار گیرند.

علامه، یکی از علمای بزرگ اسلامی و فیلسوفان برجسته، در آثار خود به تبیین موانع شناخت انسان از خداوند پرداخته است. او به عنوان یکی از شخصیت‌های مؤثر و تاثیرگذار در اسلام و فلسفه، به دنبال روشن کردن راه‌هایی است که انسان را به تسلیم و تواضع نسبت به معرفت و شناخت از خداوند تشویق می‌کند.

در این مقاله، ما به بررسی موانع شناخت از دیدگاه علامه می‌پردازیم. این موانع شامل عواملی چون غلبه هواهای نفسانی، بی‌تقوایی، خودبینی و خودپرستی، حق ستیزی، بینش مادی، تقلید نابجا و معاشرت باناهلان هستند. مطالعه و تحلیل این موانع می‌تواند به ما در درک عمیق‌تری از چگونگی رشد روحی و معنوی انسان کمک کند و نقش علامه در این راه را بیشتر مورد بررسی قرار دهد. در ادامه مقاله، به توضیح و بررسی هر یک از این موانع خواهیم پرداخت.

۱. غلبه هواهای نفسانی

غلبه هوای نفس موجب غلبه شهوات دنیوی و خاموش شدن نور عقل می‌شود. در این صورت دیگر تعقل و تفکر و حتی سمع اثری نخواهد بخشید.^۱ اگر قوه تعقل در مسیر الهی قرار نگیرد، از نظر قرآن و روایات، عقل نامیده نمی‌شود، این بدان روست که در انسان قوای متعددی فعالند و اگر یکی از قوا بر دیگران غلبه کند، باقی قوا ضعیف می‌شوند یا از کار می‌افتند.^۲ عقل دینی، گوهری است که در مسیر بندگی کسب سعادت به کار گرفته شود. هواهای نفسانی، مجموعه‌ای از امورد که با عقل در تضادند و همین روی مانع پیروی از حق می‌شوند.

۲. بی‌تقوایی

از جمله موانع شناخت، بی‌تقوایی است. شرط تحصیل علم و تفکر صحیح، تقوا است. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا!

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.»^۳

تقوا برای انسان استقامت فکری ایجاد می‌کند تا فکر صحیحی داشته باشد. انسان متقی به جهت اینکه گرفتار قوای حیوانی خود نیست، خوب تشخیص خواهد داد.^۴ بنابراین اگر هواهای نفسانی بر انسان غلبه کند، قوای ادراکی مانند تفکر، تعقل، سمع و بصردچار ضعف می‌شود یا از کار می‌افتد. برای رسیدن به استقامت فکری و شناخت درست، که زمینه ساز حصول تربیت اخلاقی صحیح است، انسان باید قوای حیوانی‌اش را کنترل کند؛ زیرا هر قوه بدون توجه به دیگر قوا، تنها به ارضای خواسته‌های خود می‌پردازد، پس اگر رها شود، حد و مرزی نخواهد شناخت.

علامه می‌فرماید: انسان عاقل حدس می‌زند که فرو رفتن در اطاعت یکی از قوای متضاد و زیاده‌ری در برآوردن خواسته‌های یکی از آنها موجب می‌شود انسان در افکار و معارف خود دچار انحراف گردد؛ به گونه‌ای که تنها خواسته همین قوه را تصدیق کند و از برآوردن خواسته‌های دیگر غافل شود.^۵

۳. خودبینی و خودپرستی

۱- طباطبایی، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰ و ج ۷ ص ۳۸۰.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳- طلاق ۲.

۴- همان، ج ۵ ص ۲۶۸.

۵- همان، ج ۵ ص ۲۶۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی از مهم ترین موانع معرفت و شناخت درست خداوند و حتی خود انسان، خودپرستی است. خودپرستی علت بروز صفات نفسانی مانند استکبار، غرور و تعصب می شود و نمی گذارد انسان اندیشه روشنی درباره اعتقادات و باورهای خود داشته باشد. علامه طباطبایی در مورد خاستگاه تکبر می فرماید: «غرور و خودبینی باعث می شود که انسان از خود تعریف کند و خود را خوب پندارد. این عجب از اهم رذایل می باشد و بلافاصله بعد از آن، انسان مغرور، به خود اعتماد می کند. این رذیله اخلاقی به دنبال خود رذیله تکبر را می آورد.»^۱

همچنین درباره ابلیس و استکبار او می فرمایند: «اگر ابلیس مجذوب خود نمی شد و دچارمنیت و خودپرستی نمی گردید و فکر او محصور در خود بینی و خودپرستی نبود، خود را مستقل نمی دید و خدا را فوق خود مشاهده می کرد.»^۲ پس خودبینی و خودپرستی ریشه استکبار، و استکبار نیز مانع معرفت است.

«وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ .. و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد!»^۳

۴: حق ستیزی

ستیز و دشمنی با حق و حقیقت از موانع شناخت به شمار می رود. این حق میتواند خدا، یارسول و دین خدا یا اولیای الهی باشد «كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا» «هرگز چنین نخواهد شد، چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می ورزد».^۴ در این آیه، خداوند درباره کسی سخن میگوید که با آیات الهی عناد دارد. چنین عنادی در جایی مصداق دارد که شخص، حق را به طور کامل شناخته، ولی از سر عناد انکارش می کند.^۵

۵: بینش مادی

از آنجاییکه یک بعد انسان مادی است، اگر انسان فقط به حواس ظاهری خود اعتماد کند به تدریج به ماورای حس بی اعتماد و در نتیجه منکر میشود و از شناخت معارف دین محروم می گردد. از جمله این افراد بنی اسرائیلند که از حضرت موسی خواستند که خداوند را به آنان نشان دهد: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!»^۶

لازم به ذکر است که: استفاده از ادراکات حسی در جایگاه خود مذموم نیست؛ بلکه آنچه مانع معرفت کامل و صحیح است، اکتفا به محسوسات است. علامه می فرماید: «توجه به ماده و اصالت دادن به مادیات، دردی است که هیچ درمانی ندارد.»^۷ ایشان می فرمایند: «این غربی ها که متدینین را به خرافه پرستی متهم می کنند، خود خرافه پرستند زیرا؛ اعتقاد به اینکه آنچه را حس درک نمی کند، موجود نیست، خود از روشن ترین خرافات است.»^۸

۶: تقلید نابجا

تقلید از کسی مطلوب است که، خبره یا معصوم باشد، ولی تقلید کورکورانه از پدران یا دیگران بنابر آیات قرآن، ناپسند و مانع رشد و فهم معارف خواهد بود: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ بَلْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَمِينَ»^۹ «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته ایم.»^۹ علامه در مورد این آیه می فرماید: «این

۱- همان ج ۴، ص ۳۷۲.

۲- همان ج ۸، ص ۲۴.

۳- حدید ۲۳.

۴- مدثر ۱۶.

۵- فقهی، سید احمد، روشهای تربیت اخلاقی در میزان، به نقل از طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۳ ص ۱۰۹.

۶- بقره ۵۵.

۷- همان، ج ۱ ص ۲۱۴.

۸- همان، ص ۴۲۲.

۹- زخرف ۲۲.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقلید است و فهم و درک در آن نیست. این گونه مردم از اعمال خود هیچ نمی فهمند؛ مگر اینکه بدون فهم از پدران خود تقلید کرده اند^۱ البته ایشان تصریح دارند تقلید در جایی که انسان نمی تواند دلیل عقلی و تفصیلی را به دست آورد، بنای عقلا بوده، مذموم نیست.^۲

۷. معاشرت باناهلان

معاشرت و هم نشینی باناهلان و اهل معصیت، احتمال ارتکاب گناه را زیاد می کند زیرا؛ مقدمه هر عملی، تصور آن عمل، تصدیق به فایده آن و سپس میل و انگیزه است.

«وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يَنْسِيكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۳ هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین^۴

«خوض»، در این آیه شریف به معنای وارد شدن در گفتار باطل و فرورفتن در باطل است؛ مانند استهزاء آیات الهی.^۵ روابط ناسالم، مانع شناخت حقایق و معرفت واقعی خواهد شد. از همین روی قرآن به شدت به مؤمنان هشدار میدهد که از معاشرت با کسانی که آیات الهی را مسخره می کنند، بپرهیزند اگر هم از سر فراموشی با آنها هم نشین شدی، پس از یادآوری دیگر با گروه ستمکاران منشین روشن است که نهی در آیه، نهی از مطلق نشستن با این گروه نیست؛ بلکه نهی، متعلق به زمانی است که آیات را به سخره گرفته و به کلام باطل مشغولند.^۶

متنی که ارائه دادید، یک مقاله علمی پژوهشی را معرفی می کند که به بررسی موانع مختلفی پرداخته است که می توانند در راه شناخت انسان از خداوند متعال و درک مفاهیم دینی و معنوی ایجاد مشکل کنند. این مقاله بر اساس دیدگاه علامه، تمرکز دارد و برخی از مهم ترین موانع را شناسایی و بررسی می کند.

جمع بندی:

مقاله حاضر به بررسی موانع شناخت انسان از خداوند و معرفت مفاهیم دینی و معنوی از دیدگاه علامه پرداخته است. در این متن، هفت موانع اصلی مورد بررسی قرار گرفته اند.

موانع مطرح شده در مقاله عبارتند از:

۱. غلبه هواهای نفسانی: موانعی که از طریق هواهای نفسانی بر مسیر شناخت و معرفت قرار می گیرند، شامل غلبه شهوات دنیوی و ضعف نور عقل می شوند. هواهای نفسانی می توانند باعث از بین رفتن تعقل و تفکر و حتی قوای ادراکی شود.
۲. بی تقوایی: تقوا به عنوان یک شرط برای تحصیل علم و تفکر صحیح معرفت شده و عدم تقوا می تواند باعث از بین رفتن استقامت فکری و درک صحیح شود.
۳. خودبینی و خودپرستی: خودپرستی و خودبینی می توانند به صفات نفسانی مانند استکبار، غرور و تعصب منجر شوند و از تشخیص روشنی درباره باورها و اعتقادات مذهبی و معنوی جلوگیری کنند.

۱- طباطبایی، ج ۱۵ ص ۲۸۲.

۲- همان، ج ۱ ص ۲۱۰-۲۱۱.

۳- انعام ۶۸.

۴- انعام ۶۸.

۵- طباطبایی، ج ۷ ص ۱۳۹.

۶- همان ج ۸، ص ۲۴.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴. حق ستیزی: ستیز و دشمنی با حق و حقیقت می‌تواند مانع شناخت صحیح و مفاهیم دینی شود.
۵. بینش مادی: اعتماد فقط به حواس ظاهری و مادی می‌تواند باعث انکار جوانب معنوی و مفهومی شود و از شناخت عمیق مانع شود.

۶. تقلید نابجا: تقلید بی‌فهمانه از دیگران و عدم درک و تفکر مستقل می‌تواند مانع فهم صحیح و شناخت معنوی شود.
۷. معاشرت باناهلان: هم‌نشینی با افرادی که از معنویت و مفاهیم دینی معصومانه پرتیبب نیستند، می‌تواند مانع ارتقاء دینی و معنوی شناخت گردد.

نتیجه‌گیری:

این مقاله به وضوح نشان می‌دهد که موانع مختلفی وجود دارند که ممکن است در راه شناخت انسان از خداوند و معرفت مفاهیم دینی و معنوی ایجاد مشکل کنند. تأکید بر تقوا، استقامت فکری، کنترل قوای نفسانی و حیوانی، و از میان بردن خودبینی و خودپرستی به عنوان راه‌های اصلی برای شکستن این موانع ارائه شده‌اند.
به عبارت دیگر، در مسیر شناخت و معرفت خداوند و مفاهیم دینی، عوامل اخلاقی و روحی از اهمیت بالایی برخوردارند و باید به دقت رسیدگی شوند. این نگرش در تمامی اعمال و تصمیم‌گیری‌های انسان تأثیرگذار است و به ارتقاء دینیت و معنویت انسان کمک می‌کند. از این رو، برای دستیابی به شناخت درست و معرفت عمیقتر، توصیه می‌شود که انسان‌ها در راه شخصیت‌سازی و تربیت اخلاقی خود به این موانع توجه ویژه‌ای داشته باشند.

منابع

۱. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین، قواعد المرام فی علم الکلام، کتابخانه آیة‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۶ق.
۴. الله‌بداشتی، علی، توحید وصفات الهی (درسنامه کلام تخصصی)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه قم، قم، ۱۳۹۰.
۵. بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. جعفری تبریزی، محمدتقی، انسان در اسلام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۸. جعفری تبریزی، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، نشر فرهنگ اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۴.
۹. جعفری تبریزی، محمدتقی، تعلیم و تربیت، چاپ دوم، پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۴.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسفار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع، انتشارات داوری، قم، بی‌تا.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا، قم، بی‌تا.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، اسلام و انسان معاصر، انتشارات رسالت، قم، ۱۳۹۷ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مدرسی، سید محمدرضا، فلسفه اخلاق، چاپ سوم، سروش، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. مسکویه، ابوعلی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، دارمکتبه الحیاء، بیروت، بی‌تا.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، انسان شناسی، چاپ بیستم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۴.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، دروس فلسفه اخلاق، چاپ پنجم، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، چاپ ششم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۴.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، سه جلد، چاپ اول، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۶.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
۲۳. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، بی‌نا، تهران، ۱۳۴۹.
۲۴. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۵۳.
- ۲۵.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۲۷. موسوی کاشمیری، مهدی، روش‌های تربیت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
۲۸. نخجوانی، نعمت‌الله، الفواتح الالهیه والمفاتیح الغیبیه، دار رکابی للنشر، مصر، ۱۹۹۹م.